

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۵

بررسی و مطالعه برج - مقبره‌های قرن ۸ و ۹ ق.ق در مازندران نمونه موردي: معرفی مقبره شمس آل رسول آمل

حسین راعی*

چکیده

موضوع پیش رو در واقع عنوان پروهش میدانی بوده است که در حدود یک دهه گذشته، بیش از ۳۰ مقبره در استان مازندران را مورد بررسی قرار داده و هدف اصلی آن، علاوه بر مطالعات تطبیقی، رسیدن به مبانی نظری مناسب برای حفاظت و مرمت مقابر مازندران بوده است. نگارنده پس از بررسی، برداشت و مستندسازی این آثار به نکات قابل توجهی رسیده است که می‌تواند در حفاظت و مرمت این آثار راهگشا بوده که به عنوان راهکار در این گزارش آمده است. این بنایا در گستره جغرافیایی غرب تا شرق مازندران و در حوزه‌های اقلیمی کوهستانی، جنگلی و جلگه‌ای قراردارند و به بخشی از تاریخ سیاسی و مذهبی منطقه به ویژه قرن ۸ و ۹ هجری قمری اشاره دارند که در اسناد مختلف به صورت کلی نام و نشانی از آنها برده شده است.

بسیاری از این آرامگاه‌ها، مدفن و مشهد امامزادگان هستند. اهالی منطقه علاوه بر مقابر امامزادگان و سادات مرعشی، آرامگاه‌های بسیاری برای نیاکان خویش ساختند که برخی از آنها تاکنون بر جای مانده است. با آمدن صفويان و رشد مذهب تشیع، معماری تدفینی ایران به مقام‌های مذهبی اختصاص یافت و ساخت مقابر فرمانروایان جای خود را به ساخت مقابر مذهبی و مقدس داد. قجرها در این زمینه به بازسازی، مرمت و توسعه برخی مقابر و آرامگاه‌ها در مازندران پرداختند و الحاق معروف مستطیل شکل^۱ را به مقابر قرن ۸ و ۹ هجری قمری اضافه نمودند و در سال‌های پس از قاجار (دوران پهلوی) مرمت و توسعه مقابر و آرامگاه‌ها در این منطقه بدون معماری خاصی ادامه یافت.

بنایی مانند مقبره شمس آل رسول آمل نمونه بر جسته‌ای از صدھا مورد مقبره شناخته شده در این مناطق است. این بنا در اراضی گنبدین آمل^۲ قرار گرفته و بسان سایر مقابر منطقه در اثر عوامل اقلیمی و انسانی دچار آسیب‌های فراوانی شده و تحت حفاظت و مرمت قرار گرفته است. رسیدن به مبانی نظری واحد برای رسیدن به تعادل پویا در این نوع مقابر، بخشی از نتایج مورد اشاره در این مقاله است.

کلید واژه‌ها: مقابر مازندران، دوره تیموری، آرامگاه‌های قرن ۸ و ۹ ه.ق، صالح آجری و اندود گچی، مقبره شمس آل رسول آمل.

* کارشناس ارشد مرمت بافت‌های تاریخی، مدیر پایگاه میراث جهانی بیستون، معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (نویسنده مسئول).
hoseinraie@gmail.com

مقدمه

موضوع پیش رو در واقع عنوان مطالعه‌ای بوده است که در حدود یک دهه گذشته، درباره بیش از ۳۰ مقبره در استان مازندران صورت گرفته و وظیفه اصلی آن، علاوه بر مطالعات تطبیقی، رسیدن به مبانی نظری مناسب برای حفاظت و مرمت بوده است.

این اینبه در گستره جغرافیایی غرب تا شرق مازندران و در حوزه‌های اقلیمی کوهستانی، جنگلی و جلگه‌ای قراردارند. مقبره‌ها به بخشی از تاریخ سیاسی و مذهبی منطقه به ویژه در قرن ۸ و ۹ هجری قمری اشاره کرده و در اسناد مختلف به صورت کلی نام و نشانی از آنها آمده است.

موضوع مقابر به دلیل نوع زندگی‌ای که در آنها جریان دارد، بسیار حایز اهمیت است. برخی از آنها امامزاده هستند و به طور طبیعی مورد عنایت مردم، اهالی محل و ادارات و سازمان‌هایی که به نحوی ذینفع هستند، قرار می‌گیرند؛ اما برخی دیگر مدفن و مقبره بزرگان و سرداران و افراد مشهور زمان خویش بوده که به دلیل عدم توانایی در برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی افراد منطقه، همچنان مهجور مانده و این گونه به حیات خویش ادامه می‌دهند.^۱

به طور معمول در دوره‌های مختلف، آرامگاه‌های حفظ و مرمت می‌گردید که نوعی تقدس برای مردم شهر یا حتی مناطق دورتر ایجاد کند. بنابراین مقابری که برای اشراف زادگان یا عوامل غیردینی بنا شده بود از رونق افتاد و توجه خاصی به آنها نمی‌شد.

اصطلاحاتی که برای آرامگاه‌ها بکاربرده‌می‌شد می‌توانست تا حدودی بیانگر نوع خدمات قابل ارائه به زیارت‌کنندگان باشد. بطور مثال واژه مزار به محل زیارت گفته می‌شد و هیچ‌گاه نمی‌توانست معنا و مفهوم بنایی معماری را منتقل سازد. واژه مشهد اشاره به محل شهادت یا مدفن شهید دارد. بقعه خلاصه شده بقعه‌الخیر یعنی محل کار خیر می‌باشد و بدین دلیل، این محل به عنوان مکان کار خیر معروف شد که در کنار قبور مذهبی، تسهیلات و امکانات رفاهی برای زائرین مهیا بود. این امر کاملاً در وقفنامه‌های اماکن آرامگاهی مانند بقعه درویش فخرالدین بابل، بقعه گلما درویش ساری، امامزاده رضای نور مشهود است.^۲

اغلب برج‌های مقابر در ایران، در خلال سال‌های ۳۹۰ الی ۵۶۹ ه.ق ساخته شد. بخش زیادی از این آرامگاه‌ها برای امیران، جنگجویان و سپهسالاران بنا گردید.^۳ اغلب این اماکن دارای پلان چهارضلعی، دایره و.. هستند و در نوع پوشش با یکدیگر متفاوت می‌باشند. گاهی گنبدی تیزه دار

بر فراز آنها ایجاد گردید، گاه مازه‌دار و در برخی اوقات نیز به شکل تخت هستند. ما در طول قرن ۹ ه.ق نوع ساده شده مقابر مورد اشاره در مازندران به شدت رواج یافت و بدین ترتیب پس از این دوره، برج مقبره به شدت سیر نزولی خود را طی نمود و هیچ‌گاه مثل سابق مورد استفاده قرار نگرفت و جای خود را به مقبره‌هایی با گنبد رک داد مانند امامزاده صالح ساری و شمس‌آل رسول‌آمل.

مقابر مورد مطالعه (جداول شماره ۱ تا ۵) مربوط به دوره‌ها و اقلیم‌های مختلف مازندران هستند که عبارتنداز:

- ۱- مقبره درویش علم‌بازی بابل
- ۲- برج سرست بابل
- ۳- مقبره درویش فخرالدین بابل
- ۴- مقبره سید کبیر بابل
- ۵- مقبره سید محمد طاهر بابل
- ۶- مقبره امامزاده عباس ساری
- ۷- مقبره آقا شیخ نیکه رزن
- ۸- مقبره سلطانین استبدار بلده
- ۹- مقبره ناصر الحق آمل
- ۱۰- مقبره امامزاده جعفر می‌گوش کجور
- ۱۱- مقبره درویش امیر ناسنگ کجور
- ۱۲- مقبره امامزاده عیسی خندق ساری
- ۱۳- بقعه گلما درویش ساری
- ۱۴- بقعه امیر سید کمال ساری
- ۱۵- مقبره درویش پیر شهریار
- ۱۶- مقبره امیر بابلکانی بهشهر
- ۱۷- مقبره امامزاده صالح مرزرود ساری
- ۱۸- مقبره درویش رستم زانوس اطاقسرا
- ۱۹- برج مقبره ذکریا شکرکوه
- ۲۰- مقبره امامزاده رضای نور
- ۲۱- مقبره خارمیان ساری
- ۲۲- مقبره امامزاده هاشم تبریتاش
- ۲۳- مقبره امامزاده علی اکبر اوسا
- ۲۴- مقبره شاطر گنبد ساری
- ۲۵- مقبره امامزاده عبدالله وانا
- ۲۶- مقبره امامزاده جوانمرد حمزه کهرود
- ۲۷- مقبره امامزاده هشتله علیا
- ۲۸- مقبره امامزاده خضر آمل
- ۲۹- برج مقبره کیا داوود یوش
- ۳۰- مقبره سیف الدین چلاو آمل

(ص) فرمودند «بر مؤمنین پستدیده است بر روی قبر هیچ بنایی ساخته نشود بلکه لازم است قبر با زمین به طور کامل هم‌سطح باشد». در آن زمان مسلمانان، بنا به دستور حضرت محمد (ص) باید از هرگونه گریه و شیون، ناله و زاری بر روی مزار مردگان دوری می‌جستند و شدت کار به آنجایی رسید که مدفن مردگان می‌بایست با زمین هم سطح می‌گشت و اثری از آن باقی نمی‌ماند (غروی، ۱۳۷۸: ۸۹).

بدین ترتیب در صدر اسلام نمی‌توان هیچ اثری از آرامگاه دید؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) در خانه خود دفن گشتند و بعد از ۷۰ سال قبر پیامبر به دست ولید، خلیفه اموی، بنا گردید. ولی با این حال تا قرن دوم و سوم م.ق برخی خلفاً در داخل خانه‌های خویش دفن می‌شدند. اما در همان سال‌ها با این استدلال که زمین بالای گور سرداران بزرگی که در جنگ‌های مرزی کشته می‌شدند باید از تعرض باد و باران دور باشد، احداث سایه‌بان جایز شد و پس از مدتی قبر اصحاب بزرگ پیامبر نیز به وسیله شاخص‌های چوبی و چادری پوشانیده و به نام قبور سایه‌بانی معروف شد. به هر حال در صدر اسلام، رواج عقیده‌های بنیادی اسلام مانع از آن شد که توسعه آرامگاه‌ها شکل اساسی به خود گیرد. با این وجود و با توصل به بناهای باقی‌مانده از آن زمان، گسترش ساخت آرامگاه را می‌توان از قرن ۴ م.ق به بعد جستجو نمود (غروی، ۱۳۷۸: ۸۹).

در دوره سامانیان مقبره امیر اسماعیل سامانی، گنبد قابوس و گنبد علی ابرقو ساخته شد که به نظر می‌رسد که هریک به نوعی از معماری پیش از اسلام الهام گرفته اند. سُنیان سلجوقی شکل آرامگاه‌ها را متعدد کرده و ساختاری به نام برج - مقبره را به وجود آوردند که بر ارتفاع گرایی تأکید می‌نمود. در قرن ۸ و ۹ م.ق ساختمان هشت گوش جسمی و با مان چند وجهی و نمای سه قسمتی، معیار تعدادی از آرامگاه‌های شیعی قم شد؛ مانند مقابر سه‌گانه در باغ سبز که در قرون بعد نیز در نقاط مختلف کشور اجرا گردید. این مقبره‌ها که در قسمت کف دارای فضای وسیع‌تری از برج‌های سلجوقی بودند در طول قرن ۹ م.ق نوع ساده شده این نوع مقابر در مازندران به شدت رواج یافت مانند امامزاده صالح ساری، شمس آل رسول آمل و ... زیارتگاه‌هایی که قبور سادات است مانند امامزاده عباس ساری، امامزاده هاشم تیرتاش، امامزاده جوانمرد حمزه و نیز مقبری که مدفن علما می‌باشد مانند مقبره میربزرگ آمل، ناصرالحق آمل، شمس آل رسول آمل، مقبره سیدکبیر بابل در قرن ۹ م.ق در مازندران ساخته شدند (جداول شماره ۱۵).

تاریخ شکل گیری مقابر

کشف آثاری از گورهای ساده - دوخته‌ای، یک خانه به همراه مرده، سردا بهای و گورهای خشته (برای سرداران) در سیلک کاشان، تپه حصار دامغان، تورنگ تپه گرگان، شهر سوخته سیستان، گودین تپه و ... دلایلی بر جهت گیری آرامگاه از دوران پیش از اسلام به سوی شکل گیری مناسب‌تر بوده است.

در دوره مادها به دلیل اعتقاد به دین مزدیسنا، مردگان درون دخمه‌های سخره‌ای در اختیار جانوران قرار می‌گرفتند تا استخوان‌های آنها به طور کامل پاک گردد. آرامگاه‌های سخره‌ای هخامنشی نیز به تبع آرامگاه مادها (به دلیل ادغام قلمرو مادها به قلمرو هخامنشیان و گسترش محدوده امپراتوری به طرف شمال و دوری از تمدن ایلام و جنوب بین النهرين) با همان شکل ساخته شد. آرامگاه‌هایی چون نقش رستم و آرامگاه داریوش - که یکی از دلایل حفظ آنان تاکنون استفاده از نام شاهان اسطوره‌ای و احترام خاص ایرانیان به شاهان افسانه‌ای بوده است - معرف سبک و سیاق ویژه در شیوه ساخت آرامگاه‌ها در ایران پیش از اسلام هستند. هر چند که در این میان می‌توان آرامگاه کورش را از نظر شکل یک استثنای دانست ولی بسیاری از متغیران آنرا آخرین آرامگاه زیگوراتی می‌دانند.

بی تکلف و ضد تشریفات بودن پارهیان و دور بودن آنان از سرمیانهای تمدن قدیم نیز دلیل بر عدم پیشرفت در ساخت آرامگاه در حدود پنج و نیم قرن حکومت سلوکیان و اشکانیان بود. هر چند که در برخی آرامگاه‌ها نفوذ هنر هخامنشی و در برخی دیگر چون آرامگاه - پرستشگاه کنگاور نفوذ هنر یونانی به چشم می‌خورد ولی ساخت آرامگاه به دلیل اینکه آنان مردگان خود را بر خلاف مادها و هخامنشیان دفن نموده و یا می‌سوزاندند، رشد کافی نداشته و تنها استودان‌هایی از آن دوران باقی مانده است. ساسانیان از برج‌هایی به عنوان آرامگاه استفاده نمودند که با مصالحی چون سنگ و ملات ساخته می‌شد و به آن استودان می‌گفتند. شاید بتوان این گونه برداشت کرد که استودان‌های مورد بحث تا حدودی تحت تأثیر استودان‌های زرتشتی (کعبه زرتشت) قرار گرفته و پس از گذشت چند قرن به این شکل درآمدند.

پس از ساسانیان و با آمدن دین میان اسلام، ساخت آرامگاه به شدت زیر سؤال رفت؛ به طوری که پیامبر اکرم

جدول ۱ . مطالعات تطبیقی مقابر مازندران



موزه مازندران - مطالعه پیش - مفهومی های قرون ۸، ۹ و ۱۰ مقارن
مازندران ممهونه موردن: معرفی مفهومی شناسی آن را می‌نماید

۷۸

ردیف	نام سنا	موقعت	تاریخ و دوره ساخت	تصاویر
۱	امامزاده عیندنا... و آن اهل	آمل - لاریجان - وفا	قرن ۶ هق با الحالات قاجاری و بهلوی	
۲	امامزاده جوانسون حمزه	آمل - کهرود	دوره قاجار	
۳	برج مقبره هشتال آمل	آمل - محله پایین هشتال	قرن ۶ هق با الحالات قاجاری و بهلوی	
۴	امامزاده خضر آمل	آمل - اراضی مصلح	قرن ۹ هق با الحالات قاجاری و بهلوی	
۵	برج مقبره کیا داود بلده	روستای بیوش	قرن ۶ هق	
۶	امامزاده سید الدین چادو آمل	آمل - چلاو-روستای گنگرچکلا	قاجار و بهلوی	

جدول ۲ . مطالعات تطبیقی مقابر مازندران



نشریه: مرمت، اثار و بناهای تاریخی، فرهنگی
و فضاهای علمی - پژوهشی سال اول، شماره دوم، پیاپی وزمنیان، ۱۳۹۰.

۷۹

ردیف	نام	جهت	تاریخ	تصاویر
۷	دروزش علم بازی بابل	بابل	محل ۶۵ اصلی بالخطاب محضر	
۸	سرست بابل	بابل	قرن ۱۰ق	
۹	دروزی خواردین بابل	بعل	قرن ۱۰ق	
۱۰	مشهه سید کسر بابل	بابل	دوره قاجار	
۱۱	سلطان محمد حاتم بابل	بابل	۱۷۵	
۱۲	امیرکوه خانی ساری	ساری	قرن ۱۰ق	

جدول ۳ . مطالعات تطبیقی مقابر مازندران



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
مازندران مهندس مورث: معرفی میراث شناسی از رسانی اهل
بزرگ و مطالعه برج - مشهدهای قرون ۸ و ۹ مقارن

۸۰

ردیف	نام	موقعت	تاریخ	طريق و نیروه ساخت	تصاویر
۱۳	آغا سنج بیگه زین بند	بلده، روستای تبر ملک	قرن ۸	آغا سنج با احتمال قاجار و پهلوی	
۱۴	برج خضره سلطانی	استخاره برج بلده	قرن ۸	بلده، روستای کمرود	
۱۵	برج سلمه سلطانی	استخاره برج بلده	قرن ۸	بلده، روستای کمرود	
۱۶	خاکر العین آمل	آمل، از پیر شهد من	قرن ۸	آمل، از پیر شهد من	
۱۷	آراماده جاطر من گنج	گنجوی بندی خل	قرن ۸	قرن ۸ با احتمال قاجار و پهلوی	
۱۸	برج خضره درویش اسر	دلستک لاندگ تکمیر	قرن ۸	تلستک لاندگ تکمیر	

جدول ۴ . مطالعات تطبیقی مقابر مازندران



نشریه: مرمت، اثوار و بناهای تاریخی، فرهنگی
و فرهنگی علمی - پژوهشی سال اول، شماره دوم، پیاپی و زمانی، ۱۳۹۰.

۸۱

ردیف	نام بنا	جهالت	تاریخ و ذریعه ساخت	تصاویر
۱۹	الله‌باده عسی خندق سازی	روستای عسی خندق از دهستان کلار گنبد سازی	قرن آلتی با الخاتم فارسی و معاصر	
۲۰	بلقه گلغا دریویشن سازی	روستای گلغا - سازی	قرن آلتی	
۲۱	پندکه امیر سید کمال سازی (المرازه بهی)	داخل شهریاری	قرن آلتی با الخاتم فارسی و معاصر	
۲۲	دربوش بیر شهریار ابی مسکنا	بل ساز	قرن آلتی	
۲۳	شتره اسری بلکلکی بهلبهه	روستای کوسلان بهلبهه	قرن آلتی با الخاتم و حصارک معاصر	
۲۴	الله‌باده صالح منزود	روستای موز رود سازی	قرن آلتی با الخاتم فارسی و معاصر	

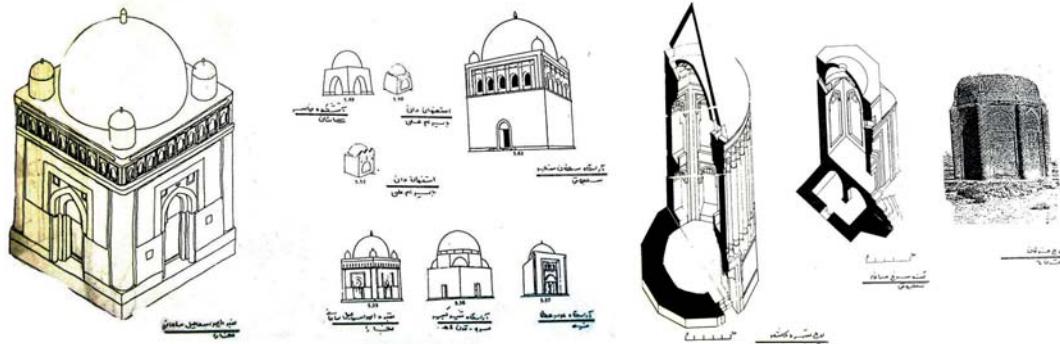
جدول ۵ . مطالعات تطبیقی مقابر مازندران



بزرگ و مطالعه برج - مقبره های قز ۸ و ۹ مقبره
مازندران میراث موردنی: معرفی مقبره شناس ای رسول امیر

۸۲

ردیف	نام بنا	موقعیت	تاریخ و دوره ساخت	تصاویر
۳۵	آرامگاه مردمی دسته و طوش آرامگاه آستانه	شهرستان آستانه	قرن ۱۰ق میلادی	
۳۶	برج مکوره (کریما) شتر کوه	بلده شهر، روستای شتر کوه	قرن ۱۰ق میلادی	
۳۷	باغه آذربایجان و شاه بور	بلده شهرستان آذربایجان	قرن ۱۰ق میلادی با عالقات قاجاری و پهلوی	
۳۸	خواریان ساری	روستای خواریان ساری	قرن ۱۰ق با عالقات قاجاری و پهلوی	
۳۹	آرامگاه هاشم شتر نکش	روستای شتر نکش بهشهر	قرن ۱۰ق با عالقات قاجاری و پهلوی	
۴۰	آرامگاه علی اکبر اوسا	روستای اوسا ساری	قرن ۱۰ق با عالقات قاجاری و پهلوی	



تصویر ۱. تصاویری از آرامگاه‌های مربوط به دوره سامانی و سلجوقی

آرامگاه‌های دوره تیموری است. مقابری که در این زمان ساخته شده اند اغلب با پلان‌های چهارضلعی، چندضلعی و صلیبی دیده می‌شوند. ساختمان‌های چند ضلعی کمتر از بقیه موارد در معماری آرامگاه‌های قرن ۸ و ۹ هـ ق وجود دارد. مقابر مربع شکل^۱ دارای یک ورودی و نماهای تزیین دار است. البته نمی‌تواند در تزیین با نوع چندضلعی^۲ برای نماید و لیکن نقطه مشترک اغلب آنها جلوخانی است که به صورت طاق در آرامگاه‌ها وجود دارد.

اعمالی که در مقابر مذهبی (زیارتگاه‌ها) انجام می‌شد موجب آن گشت که فضاهای دیگری نیز در دوره‌های بعدی به هسته اصلی الحاق گردد. در این فضاهای انجام اعمالی مثل تلاوت قرآن و ادعیه و اقامه نماز انجام می‌گرفت. فضاهای مذکور از دو قسمت کفش‌کن و زیارت‌خان^۳ تشکیل می‌شد. شکل‌های دیگری چون صلیبی که از ترکیب دو مربع با ورودی‌های چندگانه خود را نمایان می‌سازد، در نیمه آخر دوره تیموری مرسوم شد.

برج مقبره‌ها برای زیارت ساخته شده بود و در بیرون شهر، نزدیک گورستان و در کنار قبرهایی که با سنگ‌های سخت خشن مشخص شده بودند، قرار داشتند. نقشه سقف آنها به شکل عرقچین، مربع، هشت ضلعی و دوازده ضلعی بوده و با مصالحی چون آجر قرمز رنگ ساخته شده و دارای یک نظام انتقالی، بام هرمی یا مخروطی شکل بودند.

بلندی یا ارتفاع تنها چیزی است که در این بناها مطرح نیست بلکه بیشتر جسمی بودن و چهارشانگی ناماها مورد تأکید است. در داخل این بنای تزئینات زیادی وجود ندارد بلکه با گچ سفید پوشانده شده است. نبود سردابه‌ای مشخص در این مقابر بر این نکته تأکید می‌کند که قبرها بر روی کف و بصورت ضریح دار بنا شده بودند. تعدادی از برج‌ها دارای کتیبه هستند ولی مابقی کتیبه‌ای ندارند تا بتوان تاریخ ساخت آنها را حدس زد. به هر حال دونالد ویلبر

مقبره‌های قرن ۹ و ۱۰ هجری قمری در مازندران

در دوره تیموری کناره‌های دریای خزر شامل دو ناحیه بود: مازندران در شرق و گیلان در غرب. گنبد کاووس در مازندران به عنوان شهری با راه نظامی، چراگاه تابستانی، زمستانی و مرکز مهم بازرگانی در امتداد نیشابور-گرگان مورد توجه فرمانروایان بود. در این مناطق به دلیل وجود جنگل‌های فراوان، آب و هوای مربوط و مردانه‌ای بزرگ، احداث راه دشوار بود تا اینکه از دوران صفوی به بعد راه سنگفرش ساخته شد. وضع جغرافیایی این مناطق به صورتی بود که سلسله‌های کوهچکی در آبادی‌های کوچک، جدا ازهم، تشکیل شده بودند و هر کدام منطقه خاصی را تحت سلطه خود داشتند.^۴

تیمور در سال ۷۹۵ هـ از جانب مشرق وارد این منطقه شد و پس از غارت شهرهای آمل و ساری، فرمان قتل عام اهالی گرگان و گنبد را صادر کرد. در آن زمان سلسله سادات مرعشی از سال ۷۶۰ هـ در مازندران حکومت می‌کردند و تا سال ۹۸۹ هـ در آن مناطق فعالیت‌های عمرانی زیادی را انجام می‌دادند. با این حال تیموریان با تصرف مازندران، مقبره قوام الدین را خراب و حاکم آمل را تبعید نمودند (هیلین براند، ۱۳۷۷: ۲۵۳). ناحیه مازندران دارای صدھا روستای کوهچک و دهها شهر بود که در این میان شهرهای آمل، اشرف، بارفروش (بابل کنونی)، مشهدسر (بابلسر کنونی)، ساری و استرآباد (گرگان کنونی) از همه مهم تر بودند. ساری مرکز سادات مرعشی بوده و دقیقاً در همین دوره در اغلب نقاط مازندران برج‌های آرامگاه‌های زیادی ساخته شد. توجه و حمایت پادشاهان و درباریان بیشتر بر آرامگاه‌های مذهبی متمرکز بود؛ زیارتگاه‌های قدیمی مورد تعمیر و مرمت قرار می‌گرفت و زیارتگاه‌های جدیدی احداث و اغلب آنها تزیین می‌شد.

مقابر این دوره با پلان‌های مختلف، نشانگر الگوی معماری

در مقایسه‌ای که بین مقابر مازندران و آرامگاه‌های گنبد دار ایران به عمل می‌آورد، می‌نویسد:

«برج‌های مازندران یک نوع آرامگاه فرعی کوچک را مجسم می‌کنند و نوع آرامگاه‌های مازندران را می‌توان بازگشتی به سنت‌های قدیمی‌تر دانست یا بازگشتی که جنبه تکرار مکرات را داشته تا جنبه نوآوری. البته این نوع برج‌ها در مقایسه با برج‌های آرامگاهی قدیمی‌تر در مقیاس تقلیل یافته، تزئین آنها ساده شده یا حذف گردیده است و دارای یک نوع خشکی و فقدان تنوع است. بدون شک ساختن این نوع برج‌ها آسان و مقرون به صرفه بوده و عناصر مرکب آن به حدی ساده شده که یک بنا یا نجار عادی می‌توانست به ساختن آن دست یازد» (ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۹۵).

مصالح اصلی بکار رفته در کالبد و ساختار مقابر حتی تا عمق چند متری زمین از آجر و پی آنها از سنگ می‌باشد. آجرهایی که در این بناها به کار رفته است اندازه‌های متفاوتی دارد و آنهم شاید به این دلیل است که علاوه بر آجرهای استاندارد کوره‌ها، از آجرهای خرابه‌های نزدیک به بنا نیز استفاده شده است.

آجرهایی به کار رفته در بدنه دیوارها با اندازه‌های $(18 \times 18 \times 3/5)$, $(16 \times 16 \times 2/5)$, $(15 \times 15 \times 2/5)$, $(18 \times 18 \times 5/5)$, $(25 \times 12/5 \times 5)$, $(17 \times 17 \times 2/5)$, $(24 \times 24 \times 5)$, $(19 \times 19 \times 3/5)$, $(17 \times 17 \times 2/5)$, $(25 \times 11 \times 5)$ سانتی‌متر بودند.

البته آجرهایی با اسمای محلی مازندرانی نیز در ساختار مقابر مازندران استفاده شده است که عبارتند از اندازه‌های: $(15 \times 15 \times 3)$, $(15 \times 15 \times 4)$, $(10 \times 15 \times 4/5)$ سانتی‌متر به نام آجرنیمه و (12×5) , $(25 \times 12 \times 5)$ سانتی‌متر به نام آجر خی کلفت.^{۱۱}

ملات بکار رفته در بناها نوعی ترکیب محلی به رنگ خاکستری می‌باشد که از موادی چون (آهک گرم + سبوس + دوده آهه^{۱۲} + گل رس + ماسه بادی + آب) ترکیب یافته است. البته در بندکشی نیز از ملاتی به نام گرزمال^{۱۳} استفاده می‌شد. این ملات به راحتی در مقابل رطوبت مقاوم است و از ترکیباتی چون (سبوس + گیاه گرزمال + آهک + آهه + آب) تشکیل شده که باید به طور کامل ورز داده شود. لازم به ذکر است که در مرمت این بناها از آجر

вшاری و ملات سیمان نیز استفاده می‌کردند.^{۱۴}

البته در بررسی مصالحی که در نمای داخلی به کار می‌رفت، باید تحقیقات وسیعی و جدأگانه‌ای به عمل آید؛ اما با توجه به مشاهدات کنونی به نظر می‌رسد صحن اصلی برخی مقابر از کاشی بوده‌است. هم‌اکنون تنها در برخی نقاط و در ارتفاع

۱/۵ تا ۲ متری از زمین با این کاشی‌ها مواجه هستیم و باقی کاشی‌ها در دوره‌های مختلف از تاریخ مقابر حذف شده‌اند. اگر علاوه بر کاشی‌کاری استفاده از گچ در ناماها نیز تداول داشته، این گچ از نوع محلی بوده است.

آجرهای لعابدار نیز به رنگ های مختلف (اکر، آب، فیروزه ای و سفید) و در اندازه‌های متفاوتی چون (18×6) , (12×6) و (6×6) سانتی‌متر در مقابر به کار می‌رفت. در قسمت سقف و بر روی پشت بام از آجر، گالی، ورق های حلبي برای پوشش در برخی مقابر استفاده شده و چوب نیز در نعل درگاه‌ها، ضريح مقبره و به عنوان در و پنجره در بنها مورد استفاده قرار گرفته است.

مقابر مازندران در قرن ۹ هجری قمری دارای تزیینات^{۱۵} زیادی نسبت به سایر بناهای دوره تیموری نیستند. شاید بتوان گفت تمام تزیینات - هر چند اندکی - که وجود دارد تنها در عناصری چون ریتم و تکرار خلاصه می‌شود و کاسه‌سازی‌ها تنها اشکالی هستند که بطور مداوم در سطوح خارجی بنا تکرار می‌گردند و کتیبه‌هایی با کاشی‌های فیروزه‌ای نیز در کنار آنها به آرامی جای می‌گیرند.

مفاصل نیز نمای مقابر را به چند قسم تقسیم نموده و گوشه‌ها را تقویت می‌نمایند. نمای مقابر تا زیر کاسه‌سازی‌ها، از بیرون نوعی گچ شیرهای محلی را پذیرفته‌اند و از قسمت کاسه‌سازی به بالا، شاهد هنر آفرینی آجرها تا قسمت ساقه هستیم. در داخل بنها نیز شاید بتوان از رفهای متعددی که ایجاد شده است به عنوان نموده و گوشه‌ها را تقویت می‌نمایند. نمای مقابر تا زیر کاسه‌سازی‌ها، از بیرون نوعی عرقچین را معرفی می‌کند، در گنبدی‌های داخلی که نوعی عرقچین را معرفی می‌کند، در چند ردیف جداگانه، کاسه‌ها روی هم قرار می‌گیرند تا کلاهک انتهایی گنبد با سیستم دورچین بنا گردد. به‌حال می‌توان از گچ، آجر، کاشی به عنوان مصالح غالب در تزیین مقابر مازندران نام برد (تصویر ۹).

نمونه موردي: معرفی مقبره شمس آل رسول آمل

هر بنایی که در شرایط متفاوت زمانی و مکانی ساخته می‌شود، پس از مدتی تغییراتی را در درون و بیرون خود پذیرا خواهد شد. این تغییرات می‌تواند علل گوناگونی چون آسیب‌های انسانی و حکومتی، تحول فضایی - مکانی و همچنین عوامل طبیعی و اقلیمی داشته باشد. بنای شمس آل رسول نیز از زمانی که پا به عرصه وجود گذاشته، در دوره‌های مختلف دستخوش تغییراتی بوده‌است. عوامل یاد شده نیز در تغییرات دوره‌ای آن تاثیر داشتند.

در محرم سال ۱۲۸۳ ه.ق (تصویر ۲)، ترک‌های عمیقی بر روی نما قرار دارد و گنبد رک دیده نمی‌شود و گیاهان و درختچه‌هایی بر روی کوههای خودنمایی می‌کنند.

به‌هرحال بنای مزبور با تخریب‌های اشاره شده، در ادوار مختلف به حال خود رها گشته بود تا پیش از انقلاب توسط انجمن آثار ملی، استحکام بخشی شده و مورد حفاظت اضطراری قرار گرفت. بخشی از دیوار محوطه نیز در خلال تعمیرات و قسمت‌های دیگر آن در اثر عوامل انسانی و اقلیمی از بین رفته است. البته قسمت بزرگی از این تخریب‌ها در سال ۱۳۸۰ و توسط اهالی محل به علت اعتراض مبدل شدن محوطه بنا به جایگاه معتمدان انجام شد. عملیات اجرایی پس از وقفه‌ای چند ساله در سال ۱۳۸۶ نیز در بنا از سر گرفته شد و هم‌اکنون نیز در حال انجام است (تصویر ۹).

علاوه بر تفییرات کالبدی اشاره شده، در متون مختلف بنای شمس آل رسول، به اشتباه شمس طبرسی نامیده می‌شود. دمرگان (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۱)، دونالد ویلیر (۱۳۷۵) نیز در نوشته‌های خود از این بنا به نام شمس طبرسی و گنبد گبری یاد می‌کنند در صورتی که بنای مورد نظر، شمس آل رسول نام دارد.

بنایی^{۱۶} که در حال حاضر به عنوان مقبره ناصرالحق شناخته می‌شود، بنای شمس طبرسی واقعی است. بنای ناصرالحق به طور ناگهانی فرو ریخت و مدیران وقت اداره میراث فرهنگی مازندران به دلیل پیگیری دولت یمن برای مرمت مقبره جدشان (ناصرالحق یمنی) به ناچار بنای شمس طبرسی را مقبره ناصرالحق خواندند.

بنابراین در شهر آمل، به اشتباه مقبره شمس آل رسول، مقبره شمس طبرسی خوانده شده و مقبره شمس طبرسی، مقبره ناصرالحق نامیده می‌شود و در این حلقه‌های سه گانه،

این بنا در قرن ۹ هجری قمری در اراضی گنبد بن آمل بنا شده و یکی از عناصر هویت‌دهنده این محله به شمار می‌رود. بخش‌های شمالی و غربی محله دارای بافتی باز و بخش جنوبی دارای بافتی پیچ در پیچ و کم عرض می‌باشد و شاید بتوان دو خیابان شهید بهشتی (جبهه شرقی) و خیابان طالب آملی (جبهه‌غربی) را بهترین الگوی دسترسی به این قسمت از شهر برشمرد.

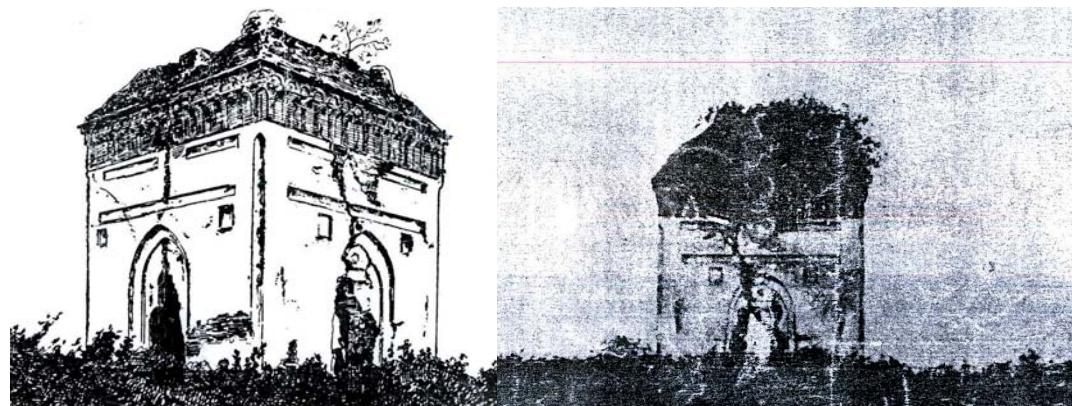
به نظر می‌رسد در ترکیب اصلی بنا، چهار درگاه جای دارد که سه درگاه آن بسته و درگاه دیگر، تنها نوعی ورودی را معرفی می‌کند؛ ولی با توجه به مستندات تاریخی، درگاه اصلی به طرف شمال بوده و درگاه‌های کوچکی نیز در طرف شرق و غرب وجود داشته است. درگاه جنوبی نیز به علت هم‌جهت بودن با قبله، بسته شده بود (تصویر ۳).

مطلوب بالا به طور کامل در ترسیماتی که از دمرگان (تصویر ۳) و دونالد ویلیر (تصویر ۶) باقی مانده، مشهود است. در این پلانها، هر چند خطای ترسیم دیده می‌شود اما نمی‌توان انتظار داشت یک درگاه در ابعادی بزرگ از نظر دوربماند و یا کاستی و افزونی آن مورد تردید قرار گیرد.

تغییر دیگری که در نگاه اول جالب به نظر می‌رسد، عدم وجود گنبد رک در این بناست (تصویر ۲). به نظر می‌رسد این گنبد در اثر زلزله‌ای که در سال ۲۳-۲۴ ه.ق اتفاق افتاده، ویران و در اثر عوامل جوی و اقلیمی بر آسیب‌های آن افزوده شده است.

استاد محمودی، استادکار میراث فرهنگی می‌گوید: «در گذشته می‌گفتند سرش را بشکن، مغزش را بخور. مغز کنایه از گچ است». به نظر او گنبد رک در اثر عوامل انسانی ویران شده تا گنجی که در داخل گنبد پنهان است، پیدا گردد!

در اولین سند تصویری مربوط به دوره ناصرالدین شاه



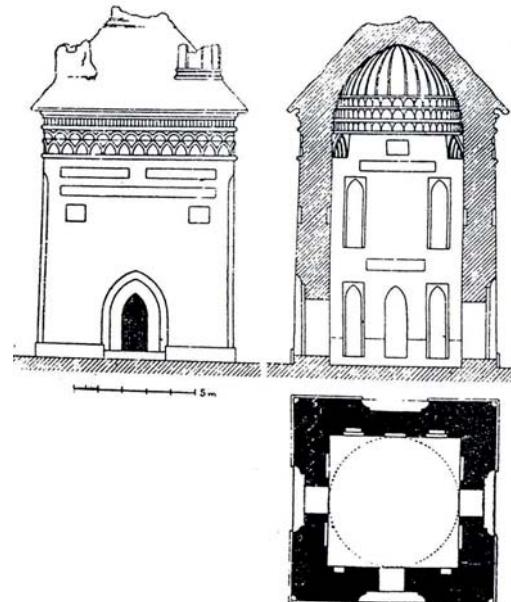
تصویر ۲: تصاویری از مقبره شمس آل رسول از دوره ناصرالدین شاه و ترسیمات دمرگان (ستوده، ۱۳۶۶)

همواره یک حلقه مفقود است.
 ابن اسفندیار درباره شمس آل رسول می‌نویسد: «السید
 شمس آل رسول فقیه و صاحب حدیث و از جمله نساک و
 عباد هنوز (۶۰۶ق.) تربت او برقرار است و مشهد معمور
 و مزار مشهور به محله عوامه کوی بر در دروازه آمل»
 (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۸). مولف این کتاب در جای دیگر چنین
 می‌نویسد: «قاضی هجیم زاهد و عالم و تربت بر در مشهد
 آل رسول به محله عوامه کوی»
 ملگنوف به اشتباه، گنبد شمس آل رسول را گنبد شمس
 طبرسی می‌نامد و می‌نویسد. «گنبد شمس طبرسی دارای
 دو پوشش بوده که یک پوشش آن در اثر زلزله ویران شد»
 (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۹).

ستوده می‌نویسد: «در طوماری که در زمان صفویان
 نوشته شده است شمس آل رسول به نام امامزاده شمس آل
 رسول خوانده شده و تولیت آن را به مولانا علی آملی واگذار
 کرده‌اند» (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۱).

در کتاب بنای آرامگاهی در باره مقبره شمس آل
 رسول آمده است: «بنا، برجی چهارضلعی و آجری است.
 طول هر ضلع از بیرون ۴/۴۵ و از درون ۲/۹۲ متر است. بر
 روی هریک از ضلع‌های چهارگانه یک طاق‌نما با یک قاب
 مستطیل در زیر تیزه قوس قرار دارد. قاب‌های مزبور جهت
 اجرای عناصر تزیینی مانند کاشیکاری و کتیبه نویسی ایجاد
 شده است» (عقابی، ۱۳۷۸: ۵۱).

یک گیلویی به صورت حاشیه فروخته در بالای طاق‌نمایها،
 نمای برج را از حالت یکنواختی بیرون آورده است. در فاصله
 بین گیلویی و گردنه گنبد، سه ردیف قطاربندی آجری به



تصویر ۳: نقشه‌های مقبره شمس آل رسول از ترسیمات دمرگان
 (ستوده، ۱۳۶۶)



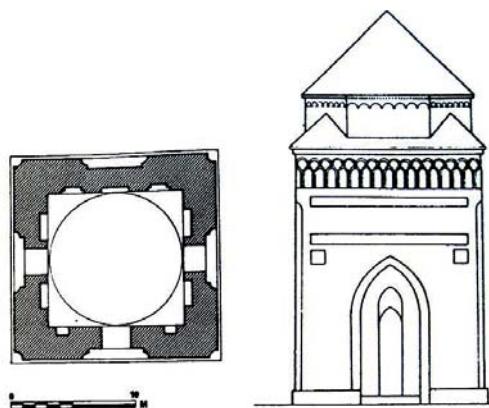
تصویر ۴: تصویر مقبره شمس آل رسول در سال ۱۳۵۶ (ستوده، ۱۳۶۶)



تصویر ۵: تصویر نمای داخلی و موقعیت مقبره شمس آل رسول در سال ۱۳۵۶ (ستوده، ۱۳۶۶)



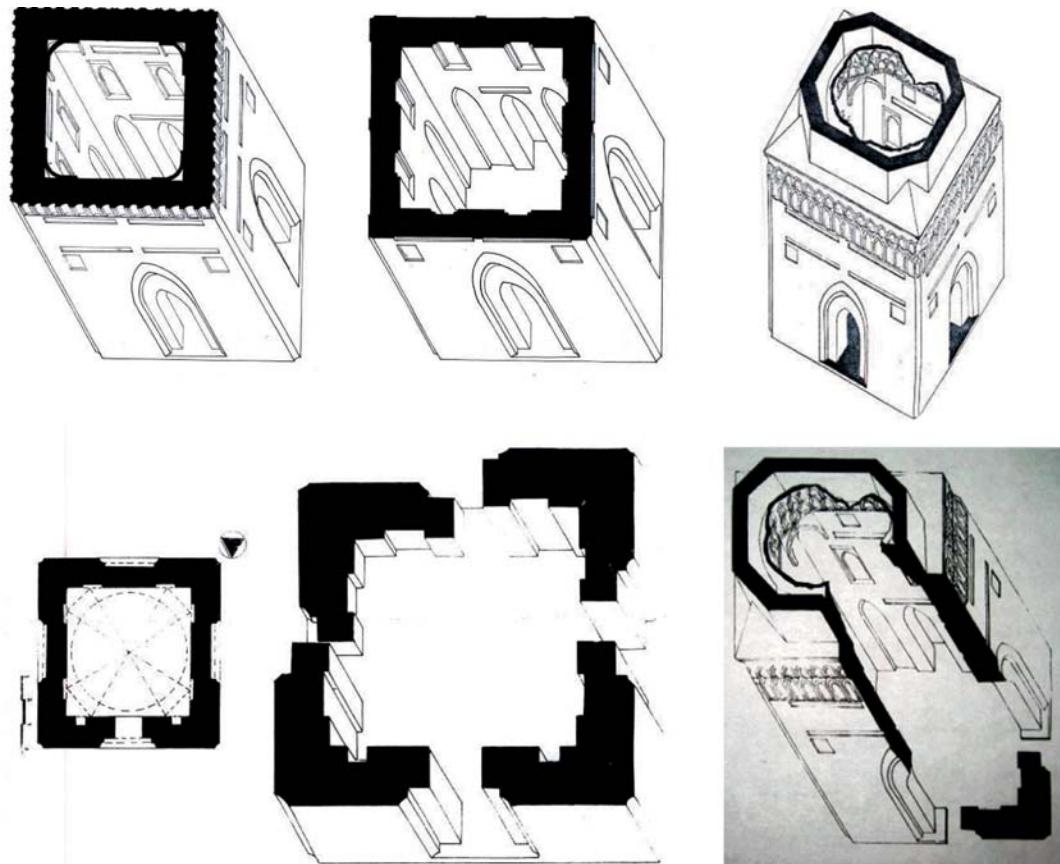
تصویر ۷. برداشت و مطالعه ترسیمی مقبره شمس آل رسول (راغی، ۱۳۷۹)



تصویر ۶. نقشه مقبره شمس آل رسول (ولبر، ۱۳۷۵: ۹۹۵)

که در چهار ضلع آن، چهار حجم مثلثی شکل جای گرفته که گنبد هرمی بر فراز آن استوار می‌شده است. در نمای داخلی در وسط هر ضلع، یک قاب مریع ساده دیده می‌شود. در بالای برج در گوشها، چهارتمنبه ایجاد کرده‌اند که به یاری آنها طرح چهارضلعی به هشت‌ضلعی تبدیل شده است.

صورت قاشقی، هلالی و تیغه‌ای در سه ردیف مقرنس‌بندی روی هم اجرا شده است که مقرنس ردیف دوم دارای قطعات کاشی ساده سبز رنگ است ولی تنها چند قطعه از آن بر جای‌مانده است. در بالای قطار مقرنس، بر روی یک ردیف آجرکاری پیش آمده، گردانی هشت وجهی گنبد قرار دارد.



تصویر ۸. برداشت و مطالعه ترسیمی مقبره شمس آل رسول (راغی، ۱۳۷۹)



تصویر ۹. برداشت و مطالعه ترسیمی و تصویری مقبره شمس آل رسول (راعی، ۱۳۷۹)

نتیجه گیری

موضوع مقابر مورد مطالعه به دلیل نوع زندگی که در آنها جریان دارد، بسیار حائز اهمیت است. برخی از آنها امامزاده هستند و به طور طبیعی مورد عنایت مردم، اهالی محل و ادارات و سازمان هایی که به نحوی ذی نفع هستند، قرار می گیرند. اما برخی دیگر مدفن و مقبره بزرگان و سرداران و افراد مشهور زمان خویش بوده که به دلیل عدم توانایی در برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی افراد منطقه، همچنان مهجور مانده و این گونه به حیات خویش ادامه می دهند.

همه مقابر، جدا از دسته بندي اشاره شده، دارای آسيب های مشابه هستند. رطوبت در اثر عوامل اقلیمي و جوي، شایع ترين نوع آسيب در اين بناها است و الحالات مختلف در اثر عوامل انساني در ردیف بعدی عوامل آسيبرسان قرار می گيرد. مابقی آسيب ها سطحی بوده و قابل برگشت است. اما تعدادی از مقابر (مدفن بزرگان و...) به دلیل بي توجهی دچار آسيب های ساختاري شدیدی شده اند.

روش برخورد برای حفاظت و مرمت آنها بسیار مهم است و باید گزینه های رفع خطر و ساماندهی با توجه به مطالعات تطبیقی مورد توجه قرار گیرد. لازم است مقابر، کاربری گذشته خود را داشته باشند و شبستان ها و نمازخانه ها با حذف الحالات نامناسب عصر حاضر، در جای خود تثبیت گرددند. در بسیاری از مقابر امامزاده یحیی ساری و امامزاده عبدالله وان، به طرز نادرستی از مصالح، مبلمان و تاسیسات گرمایش و سرمایشی استفاده شده است که باید حذف گردد.

تعدادی از مقابر مانند کیادا وود یوش، سلاطین استنдар يك و دو و لاشک دارای مدارک تصویری کافی برای بازسازی خطوط اصلی نیستند و به ناچار باید از مطالعات تطبیقی مقابر اطراف برای بازخوانی استفاده گردد. سعی شود از دخل و تصرف نادرست در بنها پرهیز گردد و بدنه ها و ساختار بر طبق ضوابط و مقررات موجود، استحکام بخشی و مرمت شوند. الحالات قابل برگشت باشد و به هسته اصلی بنا خدشه ای وارد نگردد و اصالت تاریخی بنها حفظ گردد.

مقبره شمس آل رسول نیز به سان مقبره های دیگر باد شده، دارای ارزش هنری، تاریخی و معماری بوده که به عنوان یکی از یادمان های شهری از آن یاد می شود. در این مورد می توان با مرمت و بازخوانی خطوط اصلی، این بنا را به تعادل ساکن رساند و در مرحله بعدی نسبت به ایجاد تعادل پویا اقدام نمود. محوطه سازی و ایجاد بستر فرهنگی جهت ارایه به عموم مردم با ساختار کالبدی مناسب و سازگار با محیط می تواند بخشی از اقدامات قابل انجام در راه رسیدن به تعادل پویا در مقبره شمس آل رسول و مقابر دیگر مازندران باشد.

بر روی این پایه، ساقه گنبد با دو ردیف مقرنس آجری به ارتفاع یک متر بر پا گردیده که از روی آن پوشش کم خیز گنبد آغاز شده است. نکته جالب در بنای این برج، کاربرد آجرهایی به ابعاد مختلف است. برج مذبور را آرامگاه شمس

پی نوشت

- ۱- این فضای علنی نمازخانه در دوره قاجار به اغلب مقابر اضافه گردید. مانند مقابر امامزاده رضای نور، امامزاده هاشم تیزتاش، امامزاده عبدالله وانا و امامزاده علی اکبر اوسا ساری.
- ۲- اراضی گنبد بن یکی از محلات قدیمی آمل است که در شمال بافت تاریخی شهر قرار دارد و مقبره شمس آل رسول در آن جای گرفته است (رجوع شود به تصویر ۵).
- ۳- تعدادی از مقابر که مدفن امامزادگان نیز هست، تحت پوشش اداره اوقاف و امور خیریه قرار گرفته و به طرز نامناسبی نوسازی می شوند (مقبره خضر آمل و امامزاده جوانمرد حمزه کهرود) و برخی دگر بدليل ماهیت تاریخی شان توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مورد حفاظت و مرمت قرار می گیرند (مشهد میربزرگ آمل و شاطر گنبد ساری) و بعضی از مدفن‌ها نیز که در نقاط صعب العبوری ساخته شده اند، توسط اهالی محل تعمیر می گردند (مدفن امامزاده سجادین محمد ایوا و امامزاده ابراهیم تیرستان). تعداد کمی از مقابر پیش از اسلام که تا حدودی مخروبه شده اند، به همان وضعیت به حال خود رها گشته اند (مقبره سلاطین استندار یوش).
- ۴- دونالد ویلبر در کتاب معماری تیموری در ایران و توران، زیارتگاه‌ها را بسته به شخصیت مذهبی ای که به یاد وی، بنا ساخته شده است، به چندین دسته تقسیم می کند:
 - اول زیارتگاهی که به اصحاب پیامبر و خویشاوندان او منسوب است. دوم زیارتگاههایی که قبور سادات است، این نوع آرامگاه‌ها به تعداد بسیاری در قم و مازندران قرن ۹ هجری وجود دارد و به درستی مشخص نیست که آیا این اشخاص همان شخص حقیقی در ذهن مردم هستند یا نه؟ دسته سوم را علماء، مدرسان، فلاسفه، شاعران و ... تشکیل می دهند که مریدان و شاگردان آنان برای استادان خویش بنایی یادبود برپا می کرند؛ بطور مثال در تربت جام و مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی.
 - با این حال در دوره تیموری فقط قبر یکی از شیوخ صوفی شیعه مذهب (شاه نعمت... ولی) به صورت آرامگاهی در ماهان بنا شده است. نکته جالب در مورد زیارتگاه‌های تیموری این است که در این دوره هنوز از قدمگاه خبری نیست. این واژه که در دوره صفوی به شدت رواج یافت، به طور معمول به اثر پایی گفته می شود که بر سنگ نقش بسته است. شیعیان این اثر پا را منسوب به حضرت علی (ع) می دانند.
- ۵- طبرستان به علت نزدیکی با سرزمین و دولت پارت تا انقراب اشکانی تحت استیلای دولت اشکانی قرارداشت. مازندران که از نظر جغرافیایی بخش بزرگی از طبرستان بود، در حوالی سده هفتم هـ.ق به طبرستان تغییر نام یافت. سلسله‌های مشهوری که سرزمین مازندران را در اختیار داشتند، آل قارن ۵۰ سال قبل از هجرت تا ۲۲۴ هـ.ق (شامل سلسله گاوباره، پادوسپانان، باونداسپهبدان، آل وشمگیر یا آل زیار، اسپهبدان باوند مهمترین آنها بوده‌اند)، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، تیموریان، صفویان بودند. سلسله قاجار نیز این منطقه را به عنوان ایالتی از ایران در اختیار داشت و مقابر زیادی در این دوران‌ها ساخته شد.
- ۶- هیلن براند، رابت، ۱۳۷۷ : معماری اسلامی (فرم-معنی - عملکرد)، ترجمه دکتر ابرج اعتماد، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول.
- ۷- مانند مقبره کیا داؤود یوش و ناصرالحق آمل.
- ۸- مانند مقبره شیخ نیکه رزن، مقابر سلاطین استندار بلده، مقبره سلطان محمد طاهر بابل و امامزاده عبدالله وانا.
- ۹- اغلب مقابر مازندران دارای دو فضای مذکور می باشند.
- ۱۰- bagemi
- ۱۱- این اطلاعات در گفتگو با یکی از معماران بومی مازندران به نام آقای احمد محمودی جمع‌آوری شده است.
- ۱۲- آهه گیاهی است که بصورت خودرو در باغات و بر روی خرابه‌های قدیمی می‌روید.
- ۱۳- گزمال گیاهی است که در آبهای راکد شالیزارهای برنج می‌روید و هر ساله در ماه بهمن آنرا برداشت و خشک می‌نمایند.
- ۱۴- گفتگو با آقای احمد محمودی (معمار محلی)
- ۱۵- یکی از عناصر مهم دیگر در تزیینات این دوره، رنگ است که به طور کامل یکپارچگی و وحدت را بر تزیینات مستولی می‌سازد. با دیدی دقیق‌تر می‌توان آبی را رنگ مسلط کاشی‌های مقابر این دوره دانست. دلیل آن را خاصیت جادوئی این رنگ دانستند. مینیاتورهای دوره تیموری نیز دارای رنگ آبی است و فراوانی آبی در ظروف چینی نیز به خاطر فراوانی مواد خام معدنی آن بوده است. رنگ آبی در واقع مخلوطی از اکسید کبات و لعاب شیشه ای بود. آبی روشی از یک نوع ترکیب مس به دست می‌آمد و ترکیب

منابع

- اسلامی، حسین (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی ساری*. ناشر مولف. ساری.
- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور (۱۳۸۶). *تعاونت حفظ و احیاء، گروه تعیین حریم سازمان، فهرست بناهای ثبت شده استان مازندران*.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶). از آستانه تا استرآباد. جلد چهارم. تهران: نشر آگه.
- راعی، حسین (۱۳۷۹). *مطالعه آزاد مقبره شمس آل رسول*. منتشر نشده.
- کیانی، یوسف (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: موسسه تاریخ مطالعات ایران.
- گفتگو با آقای احمد محمودی (معمار سنتی) و آقای منوچهر واحدی (نگهبان مراقب آثار)، دوازدهم اسفند ۱۳۷۹.
- عقابی، محمد مهدی (۱۳۷۸). *بناهای آرامگاهی*. چاپ دوم. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ماسترودی، کازا (۱۳۷۸). عدم تعادلها. ترجمه باقر آیت‌الله شیرازی. جزوی درسی.
- وفایی، شهربانو (۱۳۸۱). *سیما میراث فرهنگی مازندران*. تهران: میراث فرهنگی.
- ویلبر، دونالد؛ گلمبک، (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمد یوسف کیانی. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هیلن براند، رابت (۱۳۷۷). *معماری اسلامی (فرم-معنی-عملکرد)*. ترجمه دکتر ایرج اعتصام. شهرداری تهران. انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.



Receive Date : 5/23/2011
Admission Date : 8/6/2011

Analysis of Tower-Burial Sites during 8th and 9th Centuries (AH) in Mazandaran Province.

**Case study: Introduction of Shams-e all-e Rasoul Tomb, Located in Amoul City
Hossein Raie ***

6

Abstract

The subject of this paper is the title of a field research which has studied more than 30 tombs during past decade. The main aim of this paper is comparative study and also achieving to a proper theory of conservation and restoration for tombs in Tabarestan. Research team found out important result after many research and documentation. These results can be practical in conservation and restoration of such relics. These buildings are located in vastness of west to east of Tabarestan region (today, Mazandaran province), in a mountain and forestial climate. These structures belong to the political and religious history of the region, especially 14th and 15th century (8th and 9th Hejryghamary). The names of these buildings have been mentioned in different documents. Many of them are tombs of descendants of Shia Islamic Imams. Local people also have built other tombs for their own ancestors some of which have survived. In Safavid dynasty, Shia spread out through the country and tomb architecture became specifically related to religious figures. In this time many tombs were built for leaders, instead of religious tombs. In Qajar dynasty many of these tombs in Mazandaran were renovated, rehabilitated and extended in size. After Qajar dynasty, and in Pahlavi dynasty, renovation and rehabilitation of such structure continued without following any specific architectural method. Shams-E all-E Rasoul in Amoul city is a unique sample of such structures in mentioned region. This structure is located in Amoul city Gonbad-e Gohar territory. Similar to other tomb structures, the mentioned tomb is a subject of natural and human damages and has undergone some renovation. Finding a unity theory in order to achieving a lively balance in such tombs are a part of results in this paper.

Key words: Burial sites in Mazandaran, Teymouri period, 8 and 9 century burial sites, brick material and Andoodgachi, Shams-e All-e Rasoul thumb

* MA in Conservation and Renovation of Historical Sites, Manager of Bisetoon World Heritage site, Vice of ICHHTO of Kermanshah Province, Iran. hoseinraie@gmail.com